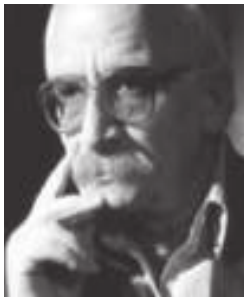


«**جیز بقدان چیخما بالا**»



حمید آرش ازاد

از روی دستِ سُهرابِ سپهری

«به سُرَاغِ من اگر می آید»

پُشت میزستانم!
روی این صندلی خوشگلِ نازِ چرخان.
گاه با اینترنت مَشغولم

و زمانی کارم، بازی رایانه‌ای است
گاه هم با انگشت، چانه خرنانه‌ای است!

چه تشنگ است این میز؟!

آبوسمی‌ست، دانش! دانشِ آن

روی آن یک پرچم

سه– چهار تا تلفن از همه رنگ

و دوتا کامپیوتر.

صندلی، عین یک دسته گل است،

شاید هم ماه شب چاردهم.

روی آن می‌چرخم

گه به «چپ»، گاه به «راست».

و از این چرخش پُر لذت ناب

مثل یک طفل سه‌ ساله، سرخوش،

مثل یک بیجی‌ شاد،

از تِه دل می‌خندم،

و به اربابِ رجوع،

شیشکی می‌بندم.

شوخی نیست،

بنده با مدرک سیکل

رفته‌ام دانشگاه

و دو سال بعدش،

شده‌ام کارشناس ارشد.

و رئیسِ اینجا

و هفتشده تا جاهای دگر،

همه در سایه‌ی استعداد و هوشم بود،

تا مگر کور شود چشَمِ حسود!

«به سُرَاغِ من اگر می آید»

از هفتشده ماه پیش از آن،

هنده‌ای شانسدار

تلفن‌ها بکنید

تا که شاید منشا،

و دو دقیقه به شش وقت دهد،

بعد در روز مَقَرَّر

ساعت هفت صبح،

سازمان مال شمامست.

بنشینید در آنجا تا ظهر

تا که منشی

– هر وقت سرش خلوت شد–

نیم نگاهی بکند،

بعد با لفظ قلم، خیلی خشک،

به شما فرماید که:

«ریس، جلسه دارن!»

«

ادامه از **همین صفحه...**

دانشگاه‌ها باید اصلاح شود و این مکان‌ها از عناصر وابسته تصفیه گردد، اختلاف نظری نبود؛ به همین دلیل بحث بیشتر بر روی شکل و چگونگی انجام این کار بود که سرانجام با تأیید امام قرار شد مهلت سه روزهای به گروه‌های سیاسی داده شود که ستادهای عملیاتی خود را از دانشگاه‌ها برچینند و مسئولین دانشگاه‌ها هم تربیتی دهند که امتحانات تا چهارده خرداد پایان یابد و بعد از آن برنامه‌هایی برای تهیه نظام آموزشی جدید بر پایه معیارهای اسلامی و انقلابی تدوین گردد و همچنین هرگونه استخدام در دانشگاه‌ها متوقف و بعداً نیز پذیرش دانشجو بر اساس موازین جدید صورت گیرد.» پس از این اظهارات ستادی به نام ستاد انقلاب فرهنگی تشکیل شد و این ستاد اندکی بعد شورای عالی انقلاب فرهنگی نام گرفت که افرادی چون عبدالکریم سروش و ربانی املمشی عضو آن بودند. شورای عالی انقلاب فرهنگی از بهار سال ۱۳۶۱ دوباره دانشگاه‌ها را بازگشایی کرد، اما تغییرات عمده‌ای در آن داد. عبدالکریم سروش اعلام کرد دانشگاه‌ها باید «عطر و بوی اسلامی به خود بگیرند» و با نگاه اسلامی کردن علوم و افراد دانشگاه‌ها بازگشایی شدند.

بنا به قانون جدید اساتید و دانشجویان باید گزینش می‌شدند تا صلاحیت آنان برای مطالعه علوم، که دیگر علوم اسلامی خوانده می‌شدند، تأیید شود. این امر باعث شده بود در گزینش‌ها مثلا از اساتید و نخبگان علمی ایران شد و در مقابل بسیاری از افراد غیر متخصص که سررشته‌ای از علوم نداشتند به اسادی دانشگاه رسیدند. به زبان دیگر تعهد به نظام جای تخصص را گرفت و تبعات این تصمیم در سال‌های بعد و با کمبود نیروهای متخصص و فنی مشخص شد.

رئیس

مرکز مدیریت

بیماری‌های

واگیر

وزارت

بهداشت با بیان اینکه اوج شیوع

بیماری آنفلوآنزا در کشور آبان‌ماه

اتفاق می‌افتد، گفت:

به همین

دلیل تأکید ما به افراد بویژه

گروه‌های پرخطر،

واکسیناسیون

علیه بیماری در شهریور ماه است.

دکتر شهنام عرش‌ی در گفت‌وگو

با ایستا،

درباره شیوع بیماری

آنفلوآنزا، بیان کرد:

آنفلوآنزا خود را به صورت فصلی نشان

می‌دهد؛

به شکلی که در پاییز

و همزمان با بازگشایی مدارس

بیماری آنفلوآنزا و سرماخوردگی

افزایش می‌یابد.

وی با اشاره به اینکه اوج

شیوع بیماری آنفلوآنزا معمولا

اواسط آبان‌ماه است،

تصریح کرد:

به همین دلیل در شهریور

ماه واکسن آنفلوآنزا تأمین شده

و در داروخانه‌ها توزیع می‌شود

و در افراد پرخطر مانند افراد بالای

۶۰ سال و کسانی که بیماری

اجتماعی

گردش ۲۰ زیرسویه مختلف کرونا در کشور

نقص ایمنی دارند، نسبت به واکسیناسیون اقدام کنند. در واقع

واکسن‌ها هم بر اساس آنها

طراحی می‌شوند.



توصیه ما واکسیناسیون در همین

شهریور ماه است.

عرشی تأکید کرد:

آنفلوآنزایی که هم‌ساله با شدت کم و بیش

شیوع می‌یابد نوع **A** و **B** است

که مشتمل بر۵ سویه است که

زمنستان امسال را بدون شیوع

آنجتانی ویروس کرونا در کل

جهان داشته باشیم، ممکن است

که خاتمه پاندمی اعلام شود

اما، تا این فصل شروع نشود

احتمالا اطلاعیه جدیدی در این

خصوص صادر نمی‌شود.

وی افزود: نگرانی ما درباره

کرونا برقرار است و به همین

دلیل کمیته ملی واکسیناسیون به

افراد توصیه می‌کند که اگر یک

سال از آخرین واکسیناسیون آنها

گذشته است، حتما نسبت به

واکسیناسیون اقدام کنند.

وی در خاتمه با اشاره به اینکه

بیش از ۲۰ سویه و زیرسویه

مختلف از کرونا در کشور در

گردش است، بیان کرد:

حتی نام برخی از این زیرسویه‌ها را شاید

خیلی‌ها نشنیده باشند. این موارد

ماهانه بررسی و رصد می‌شوند

ولی بیشترین سویه در گردش

در ایران سویه **XBB۱.۵** و

XBB۱.۹ است.

مهاجرت کردم چون از تبعیض و رانت‌خواری…بیزارم!

مهاجرت دانشجوی تربیت شده و استاد دانشگاه هم محصول همین جو است، شایسته‌ها دیده نمی‌شوند و سوادِ تدریس در دانشگاه به‌دست حذاقلی‌ها می‌افتد.

حمید سوری، اپیدمیولوژیست و استاد دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی به‌تازگی مهاجرت کرده است، شاید نام او و بسیاری دیگر از همه‌گیرشناس‌ها زمانی شنیده شد که

ویروس کرونا از شرق شروع به فتح کشورها

کرد تا به غرب برسد؛ از آن سال‌ها زیاد نگذشته،

همه ما به‌خاطر داریم ابتلا به کووید۱۹ چه‌طور

نظم و نظام جهان را تغییر داد و مرگ‌وبرهای

چند صد هزار نفری را در تمام کشورها رقم زد،

هجوم بیماران به مراکز درمانی، کمبود تخت و

وسایل بهداشتی مانند ماسک و دستکش،

کمیاب شدن مواد ضدعفونی‌کنند مانند الکل،

چیزی نیست که از حافظه سه چهار ساله ما

پاک شود، حالا همه می‌دانستند با یک اپیدمی

مواجه هستند. حمید سوری حالا از کشور

مهاجرت کرده و در دانشگاه تدریس می‌کند،

می‌گوید ۱۲۰ دانشجو دارد که حداقل ۲۰ نفر

آنها ایرانی هستند، او متاثر است که استاد

ایرانی و دانشجوی ایرانی در کشوری دیگر

کار علمی انجام می‌دهند. این استاد دانشگاه

در یادداشتی که دراختیار خبرنگارانین قرار داده

فریضه خود دانسته و نه تنها در برخورد‌ها پیشقدم نشوند بلکه مانع از هرگونه برخوردی نگردند تا اگر طرف سه روز ستاده‌ای گروه‌ها تعطیل نشدند به ترتیبی که مقرر است عمل شود.»

اندکی پس از این سخنان درگیری خشونت‌آمیزی در روز ۲۶ فروردین ۱۳۵۹ در شهر تبریز شعله‌ور شد. در پی سخنرانی هاشمی رفسنجانی در دانشگاه تبریز و درگیری در این دانشگاه، «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» با اشغال ساختمان مرکزی اعلام کردند تا اخراج دانشجویان، استادان و کارکنان دانشگاه انجام نشود، ساختمان مرکزی را ترک نمی‌کنند.

در پی این درگیری، دانشگاه‌های سراسر کشور صحنه تظاهرات‌ها، درگیری‌ها و تحصن‌های گوناگون شده و برخی دیگر از دانشگاه‌ها نیز به تصرف نیروهای دانشجویی خط امام درآمد. این اتفاقات باعث ایجاد

جمهوری اسلامی چنین نوشت:

«بر شورای انقلاب است که از خود قاطعیت نشان دهد و تصمیم خود را بدون درنگ و تأخیر به اجرا گذارد. امروز نظم شرط تداوم

انقلاب و بلکه حیات ملی ماست و باید با روحیه انقلاب و مصمم آن

را برقرار کرد. دانشجویان مسلمان باید اجرای مصوب شورای انقلاب

که در محضر امام اتخاذ شد را

سازمان‌های چپ‌گرا از دانشگاه‌ها می‌آمدند و گروه‌های مختلفی، چون حزب توده، فداییان، لیبرال‌ها،

در آن زمان چهره‌هایی مانند سیدحسین نصر که با روحانیون

و دربار رابطه خوبی داشتند عملا ندای اسلامی کردن علوم را سر

داده بودند و این سخنان آیت الله خمینی تازگی نداشت، حتی

خود محمدرضاشاه نیز از نوعی بومی‌گرایی و بازگشت به خویشن

در روند علوم ومباحث فرهنگی آن‌ها اسلامی کردن دانشگاه‌ها

نسبی می‌گفت، اما به دلیل استقلال سخن دانشگاه‌ها و روابط گسترده

سیاسی و فرهنگی با غرب امکان این وجود نداشت که دانشگاه‌ها

به صورت ایدئولوژیک اسلامی

باشوند و نهایتاً به اضافه کردن چند واحد تاریخی تمدن اسلامی به

دورس بسنده می‌شد.

به گزارش رویداد۲۴ انقلابیون

پس از قدرت گرفتن خواسته

دیرینه خود را عملی کردند و خواستار پاک کردن دانشگاه‌ها از

اساتید و کتب و علوم فاسد شدند. در دوره‌ای نهضت آزادی قصاص

را غیر انسانی خواند اما امام خمینی پاسخ داد: «این‌ها اصرار می‌کنند

دانشگاه‌ها باز بشوند… خوب

دانشگاه‌ها شما را بیرون داده اند.

شمایی که می‌گویید حکم قرآن

غیر انسانی است.» از سوی دیگر

بیش از پنجاه درصد از اعضای

فریضه خود دانسته و نه تنها در برخورد‌ها پیشقدم نشوند بلکه مانع از هرگونه برخوردی نگردند تا اگر طرف سه روز ستاده‌ای گروه‌ها تعطیل نشدند به ترتیبی که مقرر است عمل شود.»

اندکی پس از این سخنان درگیری خشونت‌آمیزی در روز ۲۶ فروردین ۱۳۵۹ در شهر تبریز شعله‌ور شد. در پی سخنرانی هاشمی رفسنجانی در دانشگاه تبریز و درگیری در این دانشگاه، «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» با اشغال ساختمان مرکزی اعلام کردند تا اخراج دانشجویان، استادان و کارکنان دانشگاه انجام نشود، ساختمان مرکزی را ترک نمی‌کنند.

در پی این درگیری، دانشگاه‌های سراسر کشور صحنه تظاهرات‌ها، درگیری‌ها و تحصن‌های گوناگون شده و برخی دیگر از دانشگاه‌ها نیز به تصرف نیروهای دانشجویی خط امام درآمد. این اتفاقات باعث ایجاد

جمهوری اسلامی چنین نوشت:

«بر شورای انقلاب است که از خود قاطعیت نشان دهد و تصمیم خود را بدون درنگ و تأخیر به

اجرا گذارد. امروز نظم شرط تداوم انقلاب و بلکه حیات ملی ماست و

باید با روحیه انقلاب و مصمم آن را برقرار کرد. دانشجویان مسلمان

باید اجرای مصوب شورای انقلاب

که در محضر امام اتخاذ شد را

دین

کارکرد اسلام در دنیای کنونی

و ما وارد عصر علم و فناوری شده‌ایم و در عصر علم و فناوری، ما برای تبیین جهان از علم استفاده می‌کنیم و امور عملی خودمان را نیز با فناوری حاصل از علم تمشیت می‌کنیم و به هیچ دینی نیاز نظری و عملی نداریم.

• چه‌کسانی نماینده‌های این نسخه سکولار

هستند؟

– در فضای غربی امروز، جریان موسوم به «خدائاباوری نوین» در زمره نمایندگان همین

جریان است، چهره‌هایی مانند ریچارد داونکین، سام

هریس، کریستوفر هیجینز، که حدود ده سال پیش در

گذشت، و مانند آنها، در فضای فکری فارسی‌زبان،

هنوز چهرهٔ شاخصی نداریم ولی مثلا شاید بشود

آرامش دوستدار، که اخیراً در گذشت، را نزدیک

به این طرز فکر دانست. البته طرز فکر «پایان دین»

هم خود یک طیف است. طیفی از این جریان معتقد

است که دوران دین به پایان رسیده ولی دین چندان

پدیده خطرناکی نیست؛ طیف دیگر این جریان اما

معتقد است دین گرچه «جامی تهی» است ولی

تمشّین این جام تهی، سمی و خطرناک است؛ از

نظر آن‌ها دین حتی اگر فرضاً روزگاری داروی

شفایبخشی بوده (که از نظر آن‌ها نبوده) امروزه دیگر

دوران‌اش تمام شده و حلاا نه تنها شفا نمی‌دهد



که سمی شده است. دوستدار و خدائاباواران نوین

به این طیف خطرناکانگار تعلق دارند. این نسخه

سکولار «پایان دین» است.

طیف پایان دین‌انگار نسخه‌ای دینی هم دارد که

می‌گوید اسلام پایان یافته ولی کار دین به طور

کل هنوز پایان نیافته است. در نتیجه، از نظر آن‌ها

ما باید به آیین‌های دیگر و یا عرفان‌های نوظهور،

که کارکردی شبیه دین دارند، رو آوریم. این هم

نسخه‌ای دینی از جریان پایان دین‌گرا است که «پایان

اسلام»‌گرا است و نه پایان دین‌گرا به طور کل. میانه

این دو طیف، چند دسته آرای دیگر هم داریم که نه

مثل قطب اول حداکثری‌گرا است و نه مثل قطب

دوم پایان دین‌گرا است. در این جریان‌شناسی، دو

سر طیف را خیلی راحت می‌شود تشخیص داد.

پیداکردن رأی طیف‌های میانه اما مشکل است، اما به

چون آن‌ها ترکیبی‌اند و از هر دو سر طیف، یعنی

حداکثری‌گرایان از یک سو و پایان دین‌گرایان از

سوی دیگر بهره‌هایی دارند. در این طیف وسط

مثلا می‌شود به جریان تجددگرایان مسلمان اشاره

کرد. آن‌ها هم خودشان طیف وسیعی را تشکیل

می‌دهند و نمی‌شود آن‌ها را یک‌کاسه کرد. اما به

نظرم می‌رسد که دست‌کم این نکته محوری در

میان همه تجددگرایان مسلمان مشترک است که

آن‌ها می‌گویند بخشی از کارکردهای سنتی اسلام،

تا حدود زیادی، در جهان جدید باید کنار گذاشته

شود.

آکَهِی پذیرش کاندیدای هیأت مدیره و بازرس اتحادیه

از کلیه اعضای دارای پروانه کسب معتبر

اتحادیه صنف ناویان ، آسیابداران و آرد فروشان شهرستان مرنود

که داوطلب عضویت در هیأت مدیره و بازرس اتحادیه فوق می باشند به استناد مصدیه مورخ ۰۵/۲۲/۱۴۰۲ ۱۴۰۲ کمیسیون نظارت شهرستان و ماده ۶ آیین نامه اجرائی انتخابات هیئت مدیره اتحادیه های صنفی (موضوع اجرای تبصره ۳ ماده ۲۲ قانون نظام صنفی مصوب مورخ ۰۷/۱۲/۱۳۹۲ مجلس شورای اسلامی) دعوت بعمل می آید .
از تاریخ ۰۶/۲۷/۱۴۰۲ تا تاریخ ۰۷/۱۰/۱۴۰۲ به مدت ۱۵ روز جهت ثبت نام و تکمیل فرم کاندیدائی به عنوان اعضای هیئت مدیره اتحادیه و با بازرس اتحادیه در صورت داشتن شرایط زیر پس از مراجعه به سامانه اینترنتی « ایرانیان اصناف » به نشانی www.iranianasnf.com و ثبت نام و دریافت کد رهگیری با در دست داشتن اصل مدارک به دفترخانه هیأت اجرائی برگزارای انتخابات هیأت مدیره اتحادیه های صنفی شهرستان مرنود مستقر در اداره صنعت ، معدن و تجارت شهرستان مرنود واقع در خیابان طالقانی میدان امام حسین (ع) به آقای جعفری مراجعه نمایند